

چشم‌اندازی بر راهبردی شدن روابط روسیه و رژیم صهیونیستی در دوره پوتین (با نگاه به منافع جمهوری اسلامی ایران)

فرشاد رومی^۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۱۰

تأیید مقاله: ۱۳۹۶/۰۹/۰۵

چکیده:

در سالهای اخیر روسیه و رژیم صهیونیستی با اتخاذ یک سیاست عمل‌گرایانه و منفعت‌محور در روابط دوجانبه و در محیط پیرامونی، اهداف و منافع ملی خود را در تعامل با یکدیگر جستجو می‌کنند. با بازگشت روسیه در نقش قدرتی فرامنطقه‌ای به غرب آسیا این مناسبات ابعاد گسترده‌تری یافته، به طوری که می‌توان از «روابط استراتژیک» میان این دو بازیگر سخن به میان آورد. فارغ از این، ماهیت روابط میان این دو می‌تواند بر منافع و مصالح سایر دولت‌ها از جمله جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار باشد. هدف این پژوهش «انکشاف و شناسایی شاخصها و ابعاد راهبردی روابط فدراسیون روسیه و رژیم صهیونیستی در دوره زمامداری ولادیمیر پوتین و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران» است. پرسش اصلی پژوهش از این قرار است که: «ماهیت و چیستی روابط روسیه و رژیم صهیونیستی تا چه میزان از سنخ مناسبات استراتژیک و پیوندهای راهبردی است و سطح روابط میان این دو بر جایگاه و منافع ایران در منطقه چه تأثیری دارد؟ فرضیه پژوهش بر اساس چارچوب نظری این گونه تدوین یافته است: «روابط روسیه و رژیم صهیونیستی در پرتو تحولات بین‌المللی و نیازمندیهای متقابل در سطوح سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی به مرحله‌ای از گفت‌وگو و شراکت راهبردی رسیده است که ارتقای این روابط راهبردی میان دو بازیگر با توجه به روابط نزدیک تهران - مسکو از یک سو، و دشمنی رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر، می‌تواند بر منافع ایران در منطقه اثرگذار باشد.» چارچوب نظری پژوهش، «کارکردگرایی»، روش پژوهش «تحلیل کیفی» و ابزار گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و اسنادی است.

کلید واژه‌ها

روسیه، رژیم صهیونیستی، کارکردگرایی، ایران، روندهای سیاسی بین‌المللی.

مقدمه

اصل مشهور در دانش روابط بین‌الملل این است که دولتها منافع و رمز بقای منحصر به فردی نسبت به یکدیگر دارند؛ به بیان دیگر حیات و ارتقای موقعیت و قدرت هر دولتی به اقدامات و محصول عملکرد خود آن دولت وابسته است؛ با این حال، منطق روابط بین‌الملل حکم می‌کند که هر دولت به منظور منافع و امنیت خود با دیگر دولتها اشتراک مساعی نشان دهد. از همین رو دولتها ترغیب می‌شوند سطحی از هماهنگی و روابط نزدیک با دیگر دولتها داشته باشند. از روابط نزدیک و هماهنگ میان دولتها، که موجب همگرایی آنها می‌شود به «روابط راهبردی» یاد می‌شود.

روابط راهبردی میان دولتها نشانه‌هایی دارد که باید آنها را شناسایی و باز یافت، و سپس بر اساس آن نشانه‌ها در باب راهبردی بودن روابط دو یا چند دولت تأمل کرد. زمانی می‌توان وصف راهبردی را برای بازنمایی روابط دو یا چند دولت به کار برد که سطح همپوشانی منافع ملی و درهم تنیدگی ارزشهای حیاتی دو سوی رابطه در اندازه‌هایی باشد که تهدید علیه موجودیت، امنیت و منافع یک طرف به معنای تهدیدی همسان، علیه طرف دیگر قلمداد شود (نوروزی و رومی، ۱۳۹۳: ۹۵). بر اساس نظریه «آرنولد ولفرز» پیدایش و گسترش روابط راهبردی میان دولتها اساساً هنگامی رخ می‌نماید که در عین همسویی در قلمرو «اهداف محیطی» آنها ضرورتاً سطح نسبتاً بالایی از وابستگی متقابل و همپوشانی در قلمرو «اهداف تملکی» نیز داشته باشند (ولفرز، ۱۳۸۴: ۲۳۹). از این منظر دیدگاه راهبردی همسویی توأمان دو یا چند دولت در راستای تحقق خواسته‌های مشترک است.

شکل‌گیری روابط راهبردی میان دولتها از جمله پدیده‌های سیاسی در سطح روابط بین‌الملل است که منافع دیگر بازیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به عبارتی، پیامد بلافصل نزدیکی دو دولت به یکدیگر تحت تأثیر قرار گرفتن حوزه منافع و حوزه امنیت دیگر دولتها است. پیرو این قواعد راهبردی است که می‌توان در باب روابط میان دولتها در عرصه سیاست واقعی به تأمل نشست.

در این میان دو دولت روسیه و رژیم صهیونیستی به‌رغم حضور تاریخی آنها در قطبهای متضاد قدرت توانسته‌اند به روابط پایدار و در حال گسترش دسترسی یابند به گونه‌ای که

می‌توان نشانه‌هایی از روابط راهبردی میان این دو مشاهده کرد. نزدیکی و راهبردی شدن روابط این دو بازیگر سیاسی بین‌المللی از آنجا که جمهوری اسلامی ایران روابط و همکاری نزدیکی با روسیه دارد، می‌تواند حوزه منافع و حوزه امنیتی - سیاسی کشور ما را در سطوح منطقه‌ای و جهانی با چالش روبه‌رو سازد. از همین رو درک چرایی و چگونگی گسترش روابط روسیه و رژیم صهیونیستی تا سطح راهبردی و تأثیر آن بر حوزه منافع ایران مسئله با اهمیتی است که این پژوهش در پی توضیح و تبیین آن است. در واقع مسئله پژوهش، چگونگی گسترش روابط روسیه و رژیم صهیونیستی از سطح «روابط عادی» به سوی «روابط راهبردی» و پیامدهای آن است؛ بدین ترتیب سؤال اصلی پژوهش از این قرار است: «روابط روسیه و رژیم صهیونیستی تا چه میزان از سنخ مناسبات و پیوندهای راهبردی است و سطح روابط میان این دو بر حوزه منافع ایران چه اثری دارد؟ فرضیه پژوهش براساس چارچوب نظری این‌گونه تدوین یافته است: «روابط روسیه و رژیم صهیونیستی در پرتو تحولات بین‌المللی و نیازمندیهای متقابل در سطوح سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی به مرحله‌ای از گفتمان و شراکت راهبردی رسیده است و ارتقای این روابط راهبردی میان دو بازیگر با توجه به روابط نزدیک تهران و مسکو از یک‌سو، و گرایش ستیزه‌جویانه رژیم صهیونیستی نسبت به جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر، می‌تواند بر منافع ایران در منطقه اثرگذار باشد؛ بدین معنا که با افزایش سطح روابط میان آنها پیگیری منافع از سوی ایران با دشواری روبه‌رو خواهد شد.»

ساماندهی بحث بر این اساس است که ابتدا به روش، پیشینه و چارچوب نظری پژوهش پرداخته می‌شود و سپس بر اساس نظریه کارکردگرایی به چگونگی فرایند راهبردی شدن روابط روسیه و رژیم صهیونیستی در سه سطح «فرهنگی - انسانی»، «تجاری - اقتصادی» و «سیاسی - امنیتی» می‌پردازد.

روش پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کیفی استفاده شده است که در آن به طبقه‌بندی، ارزیابی، مقایسه و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود تا از این طریق، فرضیه پژوهش آزموده شود.

از نظر ماهیت این پژوهش از نوع توصیفی و تبیینی است. در تحقیق توصیفی، وضعیت مورد نظر بررسی، و به توصیف نظام‌مند آن پرداخته می‌شود. در تحقیقات تبیینی با استفاده از منابع معتبر تلاش می‌شود تا ویژگیهای پدیده‌های سیاسی و دلایل بروز آنها توضیح داده شود (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۶۷).

پیشینه پژوهش

پژوهشهای گسترده‌ای در زمینه روابط مسکو - تل آویو در خارج از ایران صورت گرفته که واجد اشتراکات و تفاوت‌هایی است؛ از جمله می‌توان از آثار (فریدمن، ۱۳۷۵؛ Эпштейн, 2011, Корнилов, 2001; Borshchevskaya, 2016; Rabkin, 2007; Кожеуров & نام برد که در آنها کوشش شده است از گذر تحلیل سیاست خارجی و راهبردهای کلان، روابط روسیه و رژیم صهیونیستی مورد جستجو قرار گیرد و متغیرهای تأثیرگذار در روابط دو دولت بررسی شود. آثار (Wojnarowicz, 2017; Rodman, 2014) به تعامل روسیه و رژیم صهیونیستی در غرب آسیای در حال تغییر و بحران سوریه پرداخته می‌شود و به شرح هماهنگی نیروهای نظامی دو کشور برای جلوگیری از درگیریهای ناخواسته اشاره دارد. هم‌چنین در آثار (katz, 2016 & Razoux, 2008 & 2005) علاوه بر بیان تاریخچه روابط به تأثیرات منطقه‌ای آن اشاره دارد. متأسفانه در ایران آثار چندانی در زمینه روابط این دو کشور منتشر نشده است؛ با وجود این می‌توان به کتاب «علل و پیامدهای توسعه روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل» (کولایی، ۱۳۸۳) و مقاله «همکاریهای نظامی روسیه - اسرائیل و موانع فرارو» (پرتو، ۱۳۹۲) اشاره کرد. به‌رغم پژوهشهای ارزنده، پرداختن به روابط روسیه و رژیم صهیونیستی با توجه به نگاه ویژه جمهوری اسلامی ایران به هر دو بازیگر همچنان عرصه‌ای جذاب برای کارشناسان ایرانی است. رصد سیاست خارجی دو کشور در ارتباط با یکدیگر به منظور فهم روندهای سیاسی حاکم بر غرب آسیا اهمیت دارد. این پژوهش به‌رغم همسانی با پژوهشهای دیگر از این وجه تمایز برخوردار است که تلاش دارد چگونگی گسترش و روند راهبردی شدن روابط دو بازیگر را در گذر زمان مدنظر قرار دهد. در واقع چگونگی شکل‌گیری سیاست خارجی این دو

نسبت به یکدیگر و چرایی توسعه روابط به سوی راهبردی شدن، بر اساس آخرین تحولات در روابط دو دولت مورد توجه نگارنده است.

چارچوب نظری، کارکردگرایی

پژوهشگر این سطور به منظور گزینش چارچوب نظری مناسبی که بتوان به کار بست آن در روابط میان روسیه و رژیم صهیونیستی پرداخت، جوانب گوناگون بحث را مد نظر قرار داده است. این مقاله ضمن اینکه منطق مبتنی بر قدرت و تلاش حداکثری دولت‌ها برای بیشینه‌سازی قدرت و امنیت را اصل رایج در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی دولت‌ها می‌داند، تلاش دارد فرایند چگونگی شکل‌گیری و گسترش روابط راهبردی را توضیح دهد که به معنی تسری مناسبات از همکاری‌های صرفاً فنی و اقتصادی به سطح همکاری‌های سیاسی، امنیتی و نظامی است. در واقع هدف پژوهش یعنی چگونگی راهبردی شدن روابط روسیه و رژیم صهیونیستی، مبنای گزینش چارچوب نظری پژوهش قرار می‌گیرد. با ذکر این مقدمه به توضیح مختصر نظریه کارکردگرایی به عنوان چارچوب نظری پژوهش پرداخته می‌شود.

نظریه کارکردگرایی که با نام دیوید میترانی^۱ در پیوند است به دنبال صلح از طریق عمل است. به نظر میترانی، منشأ تعارضات دولت‌ها وجود شکاف‌های سیاسی است که با توافق حقوقی نمی‌توان بر آنها فائق آمد. در عوض باید در عمل به آن تحقق بخشید. راه‌حل آن هم فعالیت مشترک است. فرض او بر این بود که اقتصاد و سیاست را می‌توان از هم جدا کرد. آنچه به اقتصاد و حیات اجتماعی مربوط می‌شود در عرصه سیاست ضعیف یا ملایم قرار می‌گیرد و امکان همکاری در آن هست. همکاری در زمینه‌های فنی و اجتماعی نوعی وحدت اقتصادی به دنبال دارد که می‌تواند به وحدت سیاسی منجر شود (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۶۰ - ۶۱). معتقدان به نظریه همگرایی طبق برداشت کارکردگرایی مدعی هستند واحدهای سیاسی، داوطلبانه برای رسیدن به اهداف مختلف با یکدیگر همکاری می‌کنند. انگیزه دولت‌ها برای چنین همکاری‌های نزدیکی، دسترسی به منافع و امکاناتی است که تا قبل از ورود به فرایند همگرایی، دست یافتن به آن برایشان غیر ممکن بود. حامیان نظریه همگرایی بر این باورند که دولت‌های فعلی در

1 - David Mitrany

چارچوب بسته خود قادر به تأمین تمامی خواسته‌ها و نیازهای انسانی نیستند؛ بنابراین برای پاسخگویی به نیازها، همکاری گسترده بین دولت‌ها در ورای مرزهای ملی اجتناب ناپذیر است (قوام، ۱۳۸۹: ۲۵۰ - ۲۴۸). آنچه در همگرایی اهمیت دارد، فرایندی است که می‌تواند به تعمیق و گسترش همگرایی کمک کند. نظریه میترانی متضمن نوعی اصل انشعاب است که طبق آن توسعه همکاری در یک حوزه فنی به ظهور رفتار همانندی در دیگر حوزه‌های فنی منجر می‌شود. همکاری کارکردی در یک بخش موجب می‌شود که ضرورت همکاری کارکردی در بخشی دیگر نیز احساس شود. در نهایت این همکاری به حریم بخش سیاسی دست‌اندازی کرده و حتی آن را می‌بلعد؛ به عبارتی دیگر، تجربه همکاری در زمینه‌های اقتصادی مبنای همکاری و توافقیهای سیاسی را فراهم می‌سازد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۸: ۶۶۷ و ۶۶۶).

رابرت کوهن^۱ و جوزف نای^۲ نیز به عنوان اصلی‌ترین پدید آورندگان نظریه وابستگی متقابل معتقدند که وابستگی متقابل بین کشورها ساخت اصلی سامانه بین‌الملل معاصر را تشکیل می‌دهد. از این دیدگاه دولت‌ها دیگر خودکفا و بی‌نیاز نیستند و وابستگی متقابل به طور فزاینده‌ای تمامی کشورها را به یکدیگر پیوند داده و در نتیجه امنیت این کشورها را به یکدیگر وابسته کرده است. دستور کارهای جدید بین‌المللی بر موضوعاتی همچون افزایش سلاح هسته‌ای، جمعیت و فقر در کشورهای کمتر توسعه یافته، محیط زیست، حقوق بشر و انرژی متمرکز شده است و ضرورت دارد کشورها همکاری لازم را با یکدیگر به عمل آورند (سیف زاده، ۱۳۷۱: ۲۵۶).

از دیدگاه حامیان این نظریه، مسائل اساسی جهان تنها مسائل نظامی، امنیتی و راهبردی نیست، بلکه مسائل اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی اهمیت بیشتری یافته است. در حالت وابستگی متقابل، قاعده بازی دیگر بازی حاصل جمع صفر نیست؛ بلکه برد و باخت می‌تواند یکسان برای همه طرفهای بازی باشد. در روابط بین‌الملل برد یک بازیگر لزوماً به معنی باخت دیگری نیست و بازی جدید می‌تواند دو یا چند برنده و بازنده داشته باشد.

1 - Robert O. Keohane

2 - Joseph S. Nye

بنابراین وابستگی متقابل به معنای وابستگی دوجانبه است و در سیاست جهانی به وضعیتی اشاره دارد که در آن بین کشورهای مختلف تأثیرگذاری متقابل وجود دارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۵: ۹۴۳ و ۹۴۲)؛ به باور کوهن و نای، وابستگی متقابل سبب حساسیت و آسیب‌پذیری کشورها می‌شود. حساسیت یعنی تغییرات در یک کشور با چه سرعتی موجب تغییرات در کشور دیگر می‌شود و آثار پرهزینه آن تا چه حد است. منظور از آسیب‌پذیری، توان یک بازیگر در تحمل هزینه‌های تحمیلی ناشی از وقایع خارجی، حتی پس از تغییر سیاستها است (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۴۹)؛ با این حال نباید وجود اختلافات ایدئولوژیک و ارزشی و سطح متفاوت توسعه یافتگی را نادیده انگاشت و تصور کرد که جنگ، نظامیگری و مسائل امنیتی و راهبردی از جهان رخت بر بسته است و همه جهانیان به این نتیجه رسیده‌اند که جنگ را کنار گذارند و به سراغ همکاریهای مبتنی بر وابستگی متقابل بروند.

به نظر می‌رسد نظریه کارکردگرایی در روابط بین‌الملل با توجه به ظرفیتی که به منظور پاسخدهی به سؤالات ناشی از چرایی تعامل در حوزه های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی - امنیتی دارد، می‌تواند به عنوان سازوکار تنظیم کننده و الگوی حاکم در روابط روسیه و رژیم صهیونیستی مطرح شود. بر اساس این نظریه، تعمیق روابط، همکاریها و شراکتهای اقتصادی - فرهنگی به تسری روابط به حوزه سیاسی - امنیتی منجر می‌شود. البته بهره‌برداری از هر نظریه به منظور تبیین هر پدیده سیاسی نباید به تحمیل مفروضات نظری آن بر واقعیت منجر شود. از همین رو در این پژوهش نمی‌توان از ضرورتهای راهبردی غافل شد که فراتر از منطق کارکردگرایی مطرح می‌شود؛ به بیان دیگر دولتها لزوماً با نظریه و برنامه از پیش تعیین شده وارد رابطه نمی‌شوند، بلکه عمل و ضرورتهای راهبردی بر روابط میان دولتها بار می‌شود. در ادامه به چگونگی گسترش روابط روسیه و رژیم صهیونیستی به سوی راهبردی شدن بر اساس نظریه کارکردگرایی اشاره می‌شود.

روابط فرهنگی و انسانی

نخستین روابط میان روسیه و رژیم صهیونیستی در سطح فرهنگی و انسانی مطرح است. نیاز به جذب مهاجران یهودی از اقصی نقاط عالم از جمله روسیه یکی از اهداف اساسی رژیم

صهیونیستی از ابتدای تشکیل این رژیم بوده است. عامل "روسی" یا همان مهاجران روس تبار در رژیم صهیونیستی در گسترش روابط دو کشور نقش مهمی ایفا کرده‌اند. روابط خوب روسیه و رژیم صهیونیستی تا حد زیادی ناشی از شکل‌گیری "پل انسانی" میان دو کشور است که شامل جمعیتی بیش از یک میلیون نفر روسی‌الاصل است (Осипова, 2009) که در ۵۰ سال گذشته بویژه پس از فروپاشی اتحاد شوروی از جمهوریهای مختلف آن به سرزمین‌های اشغالی مهاجرت کرده‌اند. این جامعه روس زبان ۱۵ تا ۲۰ درصد جمعیت کنونی رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌دهند و بسیاری از آنها دانشمندان و متخصصان شوروی سابق به شمار می‌روند. روس تبارها گرچه جذب جامعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رژیم صهیونیستی شده‌اند با توجه به روحیات و حس خود برترین نژادی، یک گروه اجتماعی تقریباً خودمختار هستند (Корнилов, 2001: 138-155). در سال ۲۰۰۵ ولادیمیر پوتین در سفر خود به فلسطین اشغالی در پاسخ به ابراز احساسات روس‌زبانان در مرکز فرهنگی تل آویو گفت احساس می‌کند "قطعه کوچکی از خاک روسیه در اسرائیل وجود دارد" (Эпштейн, 2011).

جامعه روس تبار رژیم صهیونیستی ۲۱ مؤسسه فرهنگی - هنری را مدیریت، و چندین روزنامه به زبان روسی منتشر، و بیش از ۱۵۰ کانال تلویزیونی و ایستگاه رادیویی را اداره می‌کنند. بنیامین نتانیاهو در اولین کابینه خود در سال ۲۰۰۹ از چهار وزیر روس زبان استفاده کرد. مهمترین آنها آویگدور لیبرمن^۲ رهبر حزب «خانه ما» و وزیر خارجه رژیم صهیونیستی بود که در ۱۹۵۸ در مولداوی در غرب اتحاد شوروی متولد شده است. بدون تردید گفتگوهای مستقیم و بدون واسطه مقامات دو کشور و آشنایی با زبان، فرهنگ و آداب و سنن یکدیگر در رفع سوء تفاهمها و تقویت روابط دو جانبه نقش مهمی داشته است (Delanoë, 2014).

همکاری دو دولت در حوزه‌های فرهنگی، علمی و آموزش و پرورش در تعمیم و گسترش فرهنگ و زبان روسی در میان مهاجران ساکن در سرزمینهای اشغالی بسیار اثرگذار بوده است. انجمن دوستی "روسیه - رژیم صهیونیستی"، انجمن دوستی "مسکو - تل آویو" انجمن "مهاجران فدراسیون روسیه" و "خانه روسیه" در بیت‌المقدس با برپایی همایشها،

1 - Израиль – это немного Россия

2 - Avigdor Lieberman

نمایشگاه‌های مشترک و اجرای برنامه‌های فرهنگی و ادبی می‌کوشند تا دلبستگی جامعه روس زبان به سرزمین آبا و اجدادیشان را حفظ کنند (Procenko, 2016). هم‌چنین تجربه تاریخی دو ملت از جنگ جهانی دوم و جنایات آلمان نازی، حلقه وصل دو کشور شده است. روسیه و رژیم صهیونیستی هر ساله خاطره قربانیان جنگ جهانی دوم را گرامی می‌دارند که بخش عمده آنها یهودیان اروپا و شهروندان اتحاد شوروی بودند. در سال ۲۰۱۲ موزه میراث یهودیت و بنای یادبود هولوکاست در مسکو و بنای یادبودی به افتخار پیروزی ارتش سرخ بر آلمان نازی در شهر نتانیای فلسطین اشغالی گشایش یافت (RIA«Новости», 2016). مهمتر اینکه اخبار سرزمینهای اشغالی عمدتاً از کانال یهودیان روس‌تبار در رسانه‌های روسیه انعکاس داده می‌شود. پخش خبرهای مثبت و ارائه تصویری از جامعه پیشرفته، که دشمنان بسیاری در اطراف خود دارد، موجب شده است برخلاف شهروندان اروپایی، بیش از دو سوم روسها نظر مساعدی نسبت به رژیم صهیونیستی داشته باشند (Rabkin, 2007).

دو دولت با توجه به بهبود روابط سیاسی و اقتصادی و حضور صدها هزار شهروند روس زبان در رژیم صهیونیستی در ۲۰ مارس ۲۰۰۸ به لغو رژیم ویزا برای سفر اتباع دو کشور مبادرت کردند. این توافق ضمن کمک به آسان‌سازی روابط انسانی و شناخت بیشتر جوامع از یکدیگر، بستر لازم برای افزایش همکاریهای همه‌جانبه را فراهم کرد (Свищёв, 2016). در واقع لغو ویزا میان دو کشور حس اعتماد دوجانبه میان تل‌آویو و مسکو را بشدت تقویت، و رژیم صهیونیستی را به یک مقصد توریستی محبوب برای روسها تبدیل کرد به گونه‌ای که در بین ۵۰ مقصد محبوب جهان برای گردشگران روس، جایگاه رژیم صهیونیستی در رتبه ۱۹ تا ۲۵ در نوسان بوده است. سالانه حدود ۳/۵ میلیون گردشگر از رژیم صهیونیستی بازدید می‌کنند که ۱۰ درصد آنها گردشگران روسی هستند. توریست‌های روس پس از امریکایی‌ها، مقام دوم در سفر به رژیم صهیونیستی را دارند (جدول ۱). در حال حاضر به طور میانگین هر هفته حدود ۷۰ پرواز میان رژیم صهیونیستی و شهرهای مختلف روسیه انجام می‌شود (Политика, 2010).

جدول ۱: تعداد گردشگران روسی که سالانه از رژیم صهیونیستی بازدید کرده‌اند.

سال	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵
تعداد گردشگر	۱۵۱۸۰۹	۲۱۵۴۰۲	۲۲۶۴۱۴	۲۸۳۱۴۰	۳۳۵۹۳۳	۳۳۹۰۲۹	۳۹۵۳۲۴	۳۸۶۶۰۰	۴۱۵۰۰۰

Source: http://www.rostourunion.ru/rossijskij_soyuz_turindustrii_glavnaya/vyezd_rossijskih_grazhdan_zh_rubezh.html

در مجموع مهاجرت یهودیان روسیه به عنوان یک منبع اصلی برای تغییر ترکیب جمعیتی در سرزمینهای اشغالی به سود رژیم صهیونیستی نقش اساسی ایفا کرده است. حضور صدها هزار روس تبار شرایط را برای ایجاد ارتباطات پایدار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میان روسیه و رژیم صهیونیستی فراهم می‌سازد به گونه‌ای که رهبران دو کشور برای رسیدن به اهداف ملی خود بدرستی از این توان استفاده می‌کنند.

روابط تجاری - اقتصادی

روابط اقتصادی - تجاری لایه دوم روابط روسیه و رژیم صهیونیستی است. تعاملات اقتصادی و تجاری دو کشور در سالهای اخیر رو به گسترش گذاشته است. دو کشور ۱۹ توافقنامه بین دولتی برای همکاریهای اقتصادی امضا کرده‌اند و معاون نخست‌وزیر روسیه آرکادی دورکوویچ^۱ و آویگدور لیبرمن وزیر خارجه (سابق) رژیم صهیونیستی رؤسای کمیسیون مشترک اقتصادی هستند. از سال ۲۰۱۶ گفتگوهای رسمی برای رسیدن به توافق بر سر ایجاد یک منطقه آزاد تجاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا آغاز شده است که با حذف موانع گمرکی می‌تواند نقش کلیدی در گسترش پیوندهای بازرگانی و اقتصادی میان دو کشور ایفا کند (РИА«Новости», 2016).

حجم روابط تجاری روسیه و رژیم صهیونیستی، که در سال ۱۹۹۱ تنها بالغ بر ۱۲ میلیون دلار می‌شد از اواسط دهه نخست قرن ۲۱ روند صعودی خود را آغاز کرد. در سال ۲۰۰۸ تبادلات بازرگانی بین دو کشور به ۲/۸ میلیارد دلار و در ۲۰۱۳ به ۳/۵ میلیارد دلار رسید. بر اساس آمار خدمات گمرکی فدرال روسیه در سال ۲۰۱۵، حجم معاملات تجاری بین روسیه و رژیم صهیونیستی ۲/۳۵ میلیارد دلار بوده که ۳۱ درصد از سال ۲۰۱۴ (۴۳/۳ میلیارد دلار) کمتر بوده است (جدول ۲). البته این کاهش ارزش پولی حجم مبادلات دو کشور به دلیل تضعیف ارزش پول ملی روسیه ناشی از کاهش قیمت نفت و تحریمهای اعمال شده از سوی دولتهای غربی علیه مسکو پس از بحران اوکراین است (Информационное агентство России «ТАСС», 2016).

1 - Аркадий Владимирович Дворкович

جدول ۲: ارزش مبادلات تجاری روسیه با دو کشور رژیم صهیونیستی و ایران (به میلیون دلار آمریکا)

۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۵	۲۰۰۰	
صادرات روسیه به رژیم صهیونیستی و ایران										
۱۵۴۸	۲۰۲۹	۲۰۰۸	۱۰۶۳	۱۰۳۱	۱۰۶۸	۱۰۴۴	۲۰۳۴	۱۵۳۸	۱۰۴۵	رژیم صهیونیستی
	۱۰۳۲	۱۱۶۹	۱۹۰۰	۳۴۰۶	۳۳۸۰	۲۸۴۱	۳۲۸۹	۱۹۲۲	۶۳۳	ایران
واردات روسیه از رژیم صهیونیستی و ایران										
۸۰۶	۱۰۱۴	۱۴۹۳	۱۲۸۶	۱۰۹۳	۸۲۵	۶۳۷	۷۳۶	۳۳۲	۱۰۹	رژیم صهیونیستی
	۳۴۸	۴۳۳	۴۲۸	۳۵۱	۲۷۲	۲۱۳	۴۰۲	۱۲۵	۵۴	ایران

Source: http://www.gks.ru/bgd/regl/b14_12/Isswww.exe/stg/d02/26-06.htm

صادرات روسیه به رژیم صهیونیستی عمدتاً مواد خام شامل محصولات هیدروکربنی، الماس، چوب و کاغذ است. روسیه در کنار جمهوری آذربایجان و قزاقستان، عمده‌ترین تأمین‌کننده نفت خام اسرائیل است. واردات روسیه از رژیم صهیونیستی گوناگونتر است و محصولات کشاورزی، کالاهای الکترونیکی، تجهیزات و خدمات پزشکی را در بر می‌گیرد. رژیم صهیونیستی پس از فرانسه تنها دولتی است که توانسته بعد از جنگ جهانی دوم به روسیه تسلیحات نظامی بفروشد (РИА«Новости», 2010).

با توجه به فراز و نشیب‌ها در روابط روسیه با دولتهای غربی در دهه گذشته، مسکو برای جبران عقب ماندگی و نوسازی صنایع خود به دستیابی به فناوریهای پیشرفته رژیم صهیونیستی علاقه‌مند است. رژیم صهیونیستی در زمینه فناوریهای نوین از کشورهای پیشگام محسوب است. شبکه بزرگی از شرکتهای تحت مدیریت مهاجران روس در رژیم صهیونیستی فعالیت دارند که روابط دو کشور را در این حوزه‌ها آسان می‌کنند (کولایی، ۱۳۸۳). دو دولت قرارداد همکاری در زمینه فناوری نانو امضا کرده‌اند و شرکت روس نانو روسیه برای اجرای طرحهای مشترک در رژیم صهیونیستی فعال است. در سال ۲۰۱۳ رژیم صهیونیستی مرکز فناوریهای نوین کشاورزی در مسکو را افتتاح کرد؛ در ۲۰۱۴ مجتمع کارخانجات لبنی در جمهوری چین و کارخانه داروسازی در شهر یاروسلاو را راه اندازی کرد. سرمایه‌داران اسرائیلی هم‌چنین در تعدادی از بانکها و شرکتهای تولیدی و خدماتی روسیه سرمایه‌گذاری کرده‌اند (Информац

ионное агентство России «ТАСС», 2016). روسها خواهان گسترش همکاری در زمینه ساخت مدل‌های جدید ماهواره و تجهیزات فضایی با رژیم صهیونیستی، و در حوزه نظامی - فنی برای به روزرسانی صنایع نظامی و افزایش فروش سلاح مشتاق همکاری با رژیم صهیونیستی هستند که پس از نفت و گاز عمده‌ترین منبع درآمد آن کشور است. در مقابل، رژیم صهیونیستی ماهواره‌های خود را از طریق پایگاه‌های فضایی روسیه به فضا پرتاب می‌کند. همچنین شرکت گازپروم روسیه در دریای مدیترانه و در جنوب فلسطین اشغالی در حال اکتشاف و استخراج نفت و گاز است (Koren, 2012).

در مجموع رژیم صهیونیستی یکی از بزرگترین شریکان تجاری و اقتصادی روسیه در غرب آسیا است. همکاری با شرکتهای رژیم صهیونیستی و استفاده از پیشرفته‌ترین فناوریها در کلاس جهانی، مزایای قابل توجهی برای اقتصاد وابسته به صادرات مواد خام روسیه دارد. از سوی دیگر برای رژیم صهیونیستی، که در صادرات محصولات خود به کشورهای مسلمان منطقه با محدودیتهایی روبه‌رو است، دستیابی به بازار مصرف روسیه حائز اهمیت است.

روابط سیاسی و امنیتی

گسترش تعاملات فرهنگی و پس از آن تعمیق روابط اقتصادی روسیه و رژیم صهیونیستی، زمینه گفتگوهای سیاسی - امنیتی دو دولت را فراهم کرده است؛ با این حال، همکاریهای اقتصادی تنها انگیزه دو دولت برای گسترش روابط نبوده است؛ بلکه همان طور که بیان شد، فراتر از اهداف اقتصادی، ضرورت‌های راهبردی که در عرصه سیاست واقعی و جاری شکل گرفته بود به نزدیکی این دو بازیگر سیاسی به یکدیگر منجر شده است؛ به بیان دیگر، نمی‌توان لزوماً از تقدم و تأخر ابعاد خاصی از همکاری دو دولت سخن گفت، بلکه الزامات سیاست واقعی، دو دولت را به سوی یکدیگر سوق داده است.

در سالهای اخیر، مناسبات سیاسی میان روسیه و رژیم صهیونیستی در سطوح مختلف رو به گسترش بوده است. رابرت اکسلرود^۱ در کتاب «سیر تکامل همکاری» بیان می‌کند که همکاری نیازمند پیش‌نیاز است و این همان دیدار و ملاقات بازیگران با همدیگر است که در

1 - Rabert Axelrod

مجامع، سازمانها و گردهماییهای مختلف یکدیگر را ملاقات می‌کنند و همین دیدارها زمینه برقراری ارتباط را ایجاد می‌کند (عسگرخانی، ۱۳۸۳: ۴۵). روابط دوستانه در سطح رهبران عالیرتبه به منش و تمایلات فردی آنها نیز بستگی دارد. روابط مسکو - تل آویو علاوه بر اینکه در سطح کلان و رسمی رو به پیشرفت است، در سطح شخصی نیز از صمیمیت و نزدیکی طرفین حکایت دارد. با نگاهی به دید و بازدیدهای فشرده و مشورت‌های منظم مقامات دو دولت می‌توان به پیوندهای نزدیک آنها پی برد.

در ژانویه سال ۲۰۰۱، موشه کاتسا^۱ رئیس جمهور رژیم صهیونیستی در یک سفر رسمی به بازدید از روسیه پرداخت. آریل شارون، نخست وزیر سابق رژیم صهیونیستی (۲۰۰۱ - ۲۰۰۶) در ماه سپتامبر سال ۲۰۰۱، اکتبر ۲۰۰۲ و نوامبر ۲۰۰۳ در مسکو با ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، دیدار و گفتگو کرد. در آوریل ۲۰۰۵ و ژوئن ۲۰۱۲ ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه از رژیم صهیونیستی بازدید کرد. دیدار ۲۰۰۵ پوتین، نخستین بازدید یک رئیس دولت فدراسیون روسیه از رژیم صهیونیستی بود. اهود اولمرت^۲ نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی (۲۰۰۶ - ۲۰۰۹)، در سالهای ۲۰۰۶، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ از مسکو بازدید کرد. در نوامبر ۲۰۱۲ شیمون پرز رئیس جمهور وقت رژیم صهیونیستی به مسکو سفر کرد (Информац. ионное агентство России «ТАСС», 2015).

بر اساس اخبار سایت رسمی وزارت خارجه روسیه در سپتامبر ۲۰۱۵ نتانياهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی برای ششمین بار از زمان روی کار آمدن در سال ۲۰۰۹ از روسیه بازدید کرد. جلسه بعدی ملاقات ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه و بنیامین نتانياهو در ۳۰ نوامبر ۲۰۱۵ در حاشیه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره تغییرات آب و هوا برگزار شد. در سال ۲۰۱۶ نتانياهو برای ملاقات با سران کرملین چهار مرتبه به مسکو سفر کرد. دیدارها و مشورت‌های سیاسی در سطح وزارتخانه‌های خارجی دو کشور نیز در جریان بوده است. وزیر امور خارجه روسیه سرگئی لاوروف^۳ در سپتامبر ۲۰۰۴، اکتبر ۲۰۰۵، سپتامبر ۲۰۰۶، ژوئن ۲۰۰۷، مارس

1 - Moshe Katsav
2 - Ehud Olmert
3 - Sergey Lavrov

۲۰۰۸، فوریه ۲۰۰۹ و ژوئن ۲۰۱۰ از رژیم صهیونیستی بازدید کرده است. تزیینی لیونی^۱، وزیر خارجه سابق رژیم صهیونیستی در جولای ۲۰۰۶ و ژانویه ۲۰۰۸ به روسیه سفر کرد. آویگدور لیبرمن روس تبار در مقام وزیر امور خارجه و معاون نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در دسامبر ۲۰۰۹، دسامبر ۲۰۱۳، ژانویه ۲۰۱۵ و فوریه ۲۰۱۶ از مسکو بازدید کرد (Министерство иностранных дел Российской Федерации, 2016). لیبرمن با توجه به تسلطش به زبان روسی در گسترش روابط دو کشور نقش کلیدی داشته است. تعداد ملاقاتهای رهبران کشورها به عنوان یک شاخص، نشان‌دهنده اهمیت آن رابطه برای طرفین است. گفتگوهای مستقیم و مستمر درباره روابط دوجانبه و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی از عزم جدی مقامات دو دولت برای گسترش روابط حکایت دارد. بسیاری از دیدارها در پشت درهای بسته و بدون حضور رسانه‌ها صورت می‌گیرد که از وجود دستور کارهای مهم در مناسبات دو کشور نشان دارد. بی‌شک علاوه بر موضوعات مربوط به گسترش روابط اقتصادی، نظامی و فرهنگی دو جانبه، عمده گفتگوهای سالهای اخیر درباره برنامه هسته‌ای ایران، اعتراض رژیم صهیونیستی به فروش سلاح از جانب مسکو به دشمنان این رژیم و بحران سوریه متمرکز بوده است (РИА Новости, 2016).

در سال ۲۰۱۶ دو کشور بیست و پنجمین سالگرد تجدید روابط سیاسی را در مسکو جشن گرفتند. در این مراسم بنیامین نتانیاهو در زمینه مناسبات دو جانبه گفت: «روابط بین دو کشور در ۲۵ سال گذشته پیوسته در همه زمینه‌ها در حال گسترش است. اسرائیل و روسیه در حال ایجاد یک پل فرهنگی و انسانی بین دو کشور هستند. فراموش نکنید که بیش از یک میلیون از شهروندان ما به زبان روسی صحبت می‌کنند و با فرهنگ، شعر و ادبیات روسی پرورش می‌یابند. روسیه یک قدرت جهانی و اسرائیل یک قدرت منطقه‌ای است. ما برای ایجاد جهانی امن‌تر به همکاری با یکدیگر نیاز داریم. ما هرگز فراموش نمی‌کنیم که پیروزی بر نازیها در جبهه شرقی اروپا به لطف فداکاری و ایثار مردم و ارتش روسیه به دست آمد. ما نقش ارتش سرخ را در شکست نازیها ارج می‌نهمیم و همواره قلدردان آن خواهیم بود» (Гусман, 2016).

پوتین نیز در این مراسم اظهار کرد که روسیه به این سطح بالا از همکاری‌های میان دو کشور افتخار می‌کند و از امروز تلاش خواهد کرد تا برنامه‌های جدیدی برای تقویت بیشتر این مناسبات ارائه کند. او به نفوذ عمیق فرهنگ و سنت‌های روسی در سرزمین‌های اشغالی و حضور نزدیک به ۱/۵ میلیون یهودی روسی‌الاصول اشاره کرد و گفت به یاد داشته باشیم اتحاد شوروی در ایجاد دولت یهود و به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است (Информационное агентство России «ТАСС», июнь 2016). اما اولویت نخست در همکاری‌های سیاسی - امنیتی روسیه و رژیم صهیونیستی، مبارزه با افراط‌گرایی مذهبی است. رژیم صهیونیستی یکی از اولین کشورهای است که از روسیه در مقابل حملات تروریستی جدایی‌طلبان چنین حمایت مادی و معنوی کرده است. پس از فاجعه تروریستی بسلان در سال ۲۰۰۴، که در آن حدود ۳۰۰ نفر که اغلب آنها کودک بودند، توسط شورشیان چچنی به گروگان گرفته شده بودند، رژیم صهیونیستی اعلام کرد در مبارزه با تروریسم در کنار مردم روسیه می‌ایستد و آریل شارون در پیام تسلیت خود گفت هیچ توجیهی برای تروریسم وجود ندارد و برای مبارزه با این طاعون وحشتناک، نباید در چارچوب مرزهای ملی، خود را محدود کرد (Leyden, 2004). با ادامه حملات تروریستی چچنی‌ها به ساختمان‌های دولتی روسیه و واکنش‌های ناشیانه سرویس‌های امنیتی روسیه برای نجات جان گروگانها، سرویس‌های اطلاعاتی روسیه همکاری جدی با هم‌تایان رژیم صهیونیستی را آغاز کردند (Associated Press, 2004).

از سال ۲۰۰۴ نیروهای ضد ترور روسیه مخفیانه توسط رژیم صهیونیستی آموزش می‌بینند و برنامه‌هایی برای برگزاری مانور مشترک مبارزه با تروریسم به اجرا می‌گذارند. مقامات دو طرف مدعی هستند که روسیه و رژیم صهیونیستی با تهدیدهای مشترکی از سوی تروریست‌های تندروی اسلامی روبه‌رو هستند (Katz, 2004). در ۶ سپتامبر ۲۰۱۰ در مسکو میان ایهود باراک^۱ و اناتولی سردیکف^۲ وزیران دفاع دو کشور یک موافقتنامه همکاری پنج‌ساله امضا شد که امکان تبادل دیدگاه‌ها، اطلاعات و تجربه در مسائل مربوط به امنیت بین‌المللی و نیز آموزش‌های نظامی مشترک را فراهم کرد (Izrus, 2010). در مجموع، دو کشور در زمینه

1 - Ehud Barak
2 - Anatoly Serdiyev

مبارزه با تروریسم با یکدیگر همکاری نزدیکی کرده‌اند. رژیم صهیونیستی تجربه خود را در جنگ با گروه‌های رادیکال اسلامی در اختیار روسیه می‌گذارد که از آغاز دهه ۱۹۹۰ با شورشیان جدایی طلب چچنی درگیر است (Katz, 2009)؛ با وجود این در سالهای گذشته تعارضاتی در روابط رژیم صهیونیستی و روسیه بروز کرده است که ناشی از همکاری نظامی مسکو با ایران و سوریه و خودداری روسیه در فرار دادن جنبش حماس و حزب الله در فهرست سازمانهای تروریستی است که در حال حاضر در کنار ایران از جدی‌ترین دشمنان رژیم صهیونیستی به شمار می‌روند. تعامل روسیه با ایران متعلق به دوره پس از فروپاشی شوروی و ساخت یک نیروگاه اتمی در بوشهر است. سیاستگذاران رژیم صهیونیستی، برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی جدی برای امنیت این رژیم می‌دانند (Katz, 2005: 51-59)؛ اما سوریه یکی از مشتریان قدیمی خرید جنگ‌افزارهای روسی در جهان است. عمده نگرانی رژیم صهیونیستی از فروش تسلیحات نظامی به دولت سوریه، افتادن این سلاحها به دست گروه‌های مخالف موجودیت رژیم صهیونیستی در لبنان و فلسطین است. قطعا روسها هشدارهای لازم را به طرف سوری داده‌اند تا این نگرانیها را مدنظر داشته باشند. در فوریه ۲۰۰۶ در یکی از روزنامه‌های چاپ مسکو فاش شد که ارتش روسیه، رژیم صهیونیستی را از ویژگیهای تاکتیکی و فنی سلاحهای فروخته شده به سوریه آگاه می‌کند (Gorshkov & Plugatarev, 2006). مارک کاتز محقق امریکایی معتقد است که فشار رژیم صهیونیستی به روسیه در بسیاری از موارد موجب شده تا سوریها به خواسته‌های خود نرسند؛ برای مثال به دلیل مخالفت‌های شدید رژیم صهیونیستی، مسکو از فروش موشکهای ضد کشتی و موشکهای اسکندر به سوریه منصرف شد. این موارد نشان می‌دهد که نگرانیهای امنیتی رژیم صهیونیستی برای مسکو حائز اهمیت است و مسکو تا جایی حاضر است با دمشق - و تهران - همکاری کند که آنها امنیت ملی رژیم صهیونیستی را با چالش روبه‌رو نسازند (Katz, 2006: 59). حضور صدها هزار شهروند روسی ساکن در رژیم صهیونیستی و اهمیت حفظ جان آنها و نیز واکنش حامیان غربی رژیم صهیونیستی را نیز باید به ملاحظات مسکو اضافه کرد. در ماه مارس سال ۲۰۰۵، پس از ترور رفیق حریری، نخست وزیر سابق لبنان، روسیه در کنار ایالات متحده، اروپا و رژیم صهیونیستی به اعمال فشار بر سوریه برای خروج از لبنان پرداخت و در حالی که این رفتار شگفتی دمشق را

موجب شد، سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه اظهار کرد که دولت او مطابق با قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل عمل کرده است (Joy, 2008:286)؛ با وجود این هر معامله تسلیحاتی روسیه با تهران و دمشق با بزرگنمایی و اعتراض رژیم صهیونیستی روبه‌رو شده است. در مقابل، روسیه بر ماهیت دفاعی سلاحهای فروخته شده تأکید می‌کند و اصرار دارد که فروش این تسلیحات، توازن قوا را در منطقه به ضرر رژیم صهیونیستی بر هم نمی‌زند. البته ملاحظات اقتصادی در فروش سلاح و یا ساخت راکتور اتمی برای ایران را هم باید مد نظر داشت (Stenogramma vystupleniya MID Rossii, 2008). هم‌چنین دعوت رهبران حماس به مسکو در سال ۲۰۰۶ اعتراض رژیم صهیونیستی را به دنبال داشت. در آن زمان، مایر شیتريت^۱ وزیر آموزش و پرورش رژیم صهیونیستی، دعوت پوتین از رهبران حماس را به مثابه دعوت رژیم صهیونیستی از رهبران جدایی‌طلب چچن به تل‌آویو قلمداد کرد (Yablokova, 2006). در پاسخ روسها مدعی هستند از طریق گفتگو بهتر می‌توان گروه‌های فلسطینی را به پای میز گفتگو کشاند و با آنها به توافق رسید. در واقع روسیه تلاش می‌کند تا نقش مستقلی در حل بحران فلسطین ایفا کند و در این مسیر، متقاعد کردن حماس در به رسمیت شناختن دولت یهودی در سرزمین فلسطینی‌ها برای مسکو بسیار حیاتی است. موفقیت در این مأموریت موجب تقویت نفوذ روسیه در میان فلسطینی‌ها و رژیم صهیونیستی می‌شود و مسکو می‌تواند یکی از دغدغه‌های امنیتی این رژیم را برطرف سازد (Smith, 2006:63).

در مجموع و رای مجادلات کلامی، کمتر می‌توان نشانی از اختلاف اساسی میان روسیه و رژیم صهیونیستی یافت. حتی اگر طرفین اهداف متفاوتی داشته باشند این هدفها با یکدیگر متعارض نیست؛ برای مثال برخلاف هیاهوی رژیم صهیونیستی علیه توافق اتمی ایران با قدرتهای جهانی، این توافق به دلیل محدودیتهای شدیدی که بر برنامه اتمی ایران وضع کرد با امنیت ملی رژیم صهیونیستی سازگاری کامل دارد. درباره سوریه نیز باید به این واقعیت توجه کرد که در سالهای حاکمیت بشار اسد و پدرش، هیچ تلاشی از سوی دمشق برای باز پس‌گیری اراضی اشغالی از چنگ رژیم صهیونیستی به عمل نیامده است. به طور خلاصه و با در نظر گرفتن سیاست خارجی عملگرایانه کرملین، هدف روسیه از همکاری با کشورهایی مانند ایران،

1 - Meir Sheetrit

سوریه و گروه‌هایی مانند حماس و حزب‌الله نه برای ایجاد مزاحمت برای رژیم صهیونیستی، بلکه تلاشی برای کسب منافع اقتصادی، گسترش حوزه نفوذ روسیه در منطقه و استفاده از این روابط در نظام بین‌الملل برای چانه‌زنی و ارتقای جایگاه خود به عنوان قدرت جهانی دانست.

بحرانها و روندهای بین‌المللی و تأثیر آنها بر تعمیق روابط روسیه و رژیم صهیونیستی

بی‌شک در دو دهه اخیر، تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی در بهبود و گسترش فزاینده روابط روسیه و رژیم صهیونیستی نقش اساسی داشته است. مهمترین این رخدادها عبارت است از: جنگ چچن. بحران چچن و درگیر شدن ارتش روسیه در این نزاع موجب شد تا رژیم صهیونیستی، هوشمندانانه و برخلاف دیگر دولتهای غربی در کنار دولت روسیه قرار گیرد. رژیم صهیونیستی یکی از محدود کشورهای بود که هرگز از اقدامات پوتین در چچن انتقاد نکرد. گرچه مجامع حقوق بشری و سران دولتهای غربی و حتی دولتهای اسلامی نسبت به برخورد دولت روسیه با جدایی‌طلبان چچنی شدیداً معترض بودند، بحران چچن دو دولت را به طور غیر منتظره به یکدیگر نزدیک کرد. رژیم صهیونیستی برخلاف متحدش ایالات متحده، نه تنها عملکرد نظامی روسیه را در قفقاز شمالی سرزنش نمی‌کرد بلکه بشدت از آن حمایت کرد. در حالی که کمپین‌های فعالی برای فشار به دولت روسیه در کشورهای جهان راه اندازی شده بود و همه مجالس کشورهای غربی شدت عمل روسیه را در چچن محکوم می‌کردند، تنها مجلسی که از اقدامات روسیه پشتیبانی کرد، «کنست» بود (Либерман, 2007). شارون، نخست وزیر سابق رژیم صهیونیستی با ابراز همدردی و دفاع از سیاست کرملین در برخورد با جدایی‌طلبان چچن، پیوندی واقعی با پوتین ایجاد کرد. هر دو رهبر معتقد بودند با گروه‌های تندرو نباید گفتگو کرد و استفاده از زور علیه مخالفان مسلح حق طبیعی آنهاست (Katz, 2005: 51-59).

نزاع بر سر آبخازیا و اوستیای جنوبی. یکی از تحولات دیگر جنگ پنج‌روزه میان روسیه و گرجستان در ماه اوت ۲۰۰۸ بود. این جنگ موجب تعلیق موقت گفتگوهای اتحادیه اروپا با روسیه شد و در سپتامبر ۲۰۰۸ کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه امریکا با نكوهش اقدامات روسیه اظهار کرد که جایگاه و مقبولیت بین‌المللی روسیه در حال حاضر از سال ۱۹۹۱ بدتر است (Branigin, 2008)؛ اما زنجیره‌ای از حوادث پس از جنگ در اوستیای جنوبی ثابت کرد که

روسیه عملاً هیچ متحد قابل اعتمادی در عرصه بین‌المللی و حتی در میان کشورهای مستقل مشترک المنافع ندارد. رهبران کشورهای حوزه بالتیک بارها با بیان این نکته، که آنها می‌توانند قربانیان تجاوز بعدی روسیه باشند، نگرانی خود را ابراز می‌کردند. هم‌چنین موضوع پیوستن روسیه به سازمان تجارت جهانی، که فرایند آن از سال ۱۹۹۴ شروع شده بود با چالش روبه‌رو شد و کارلوس گوتیرز^۱ وزیر تجارت ایالات متحده به صراحت گفت: "اقدامات نظامی روسیه در گرجستان نه تنها تهدیدی برای ورود روسیه به سازمان تجارت جهانی است، بلکه عضویت این کشور در "گروه هشت" را نیز با مانع روبه‌رو خواهد ساخت (РИА «Новости», 2008).

به رسمیت نشناختن استقلال آبخازیا و اوستیای جنوبی از گرجستان توسط جامعه بین‌المللی از دیگر مشکلات روسیه بود. تاکنون تنها چهار دولت، استقلال این مناطق را به رسمیت شناخته‌اند: روسیه، نیکاراگوئه (۵ سپتامبر ۲۰۰۹)، ونزوئلا (۱۰ سپتامبر ۲۰۰۹) و نائورو (۱۵ دسامبر ۲۰۰۹). متحدان نزدیک روسیه مانند بلاروس، ارمنستان و قزاقستان هنوز جدایی این دو منطقه از گرجستان را به رسمیت نشناخته‌اند. بنابراین جنگ میان روسیه و گرجستان، گرچه موجب سرد شدن روابط روسیه با بسیاری از کشورهای جهان، حتی متحدان نزدیک مسکو در میان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع شد، رژیم صهیونیستی با در پیش گرفتن سیاست عملگرایانه و به‌رغم مناسبات خوبش با گرجستان، اجازه نداد این بحران به روابطش با مسکو آسیب زند (Российская газета, 2008). در مجموع جنگ آبخازیا و اوستیای جنوبی موجب شد روسیه و رژیم صهیونیستی به تفاهمی مشترک دست یابند که بر اساس آن رژیم صهیونیستی متعهد شد همکاری نظامی و فنی خود را با گرجستان محدود سازد و هواپیمای بدون سرنشین به تفلیس تحویل ندهد. در مقابل روسیه پذیرفت موشکهای دوربرد و هرگونه سلاحی که موازنه قدرت را در غرب آسیا به ضرر رژیم صهیونیستی برهم می‌زند به دشمنان این رژیم نفروشد (Haaretz, 2008 & Фальков, 2010). در پی آن در ژوئن سال ۲۰۰۹ اعلام شد وزارت دفاع روسیه دوازده هواپیمای بدون سرنشین از رژیم صهیونیستی به قیمت ۵۳ میلیون دلار خریداری کرده است (Коновалов, 2009).

1 - carlos gutierrez

برگزاری جشن سالگرد شکست آلمان نازی. برای روسها به رسمیت شناختن و ارج نهادن به نقش کلیدی ارتش سرخ در جنگ دوم جهانی و پیروزی بر نازیسم حائز اهمیت است. به‌رغم دعوت سران کشورهای غربی به جشن بزرگ شصت و پنجمین سالگرد پیروزی متفقین بر آلمان نازی در ۹ مه ۲۰۱۰ در مسکو، رهبران ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه و برخی کشورهای دیگر به بهانه‌های مختلف و در واقع در اعتراض به تهاجم نظامی روسیه به گرجستان از حضور در این مراسم سرباز زدند. در این میان عدم حضور دو متحد نزدیک کرملین در این مراسم یعنی الکساندر لوکاشنکو^۱ و ویکتور یانوکوویچ^۲ رؤسای جمهور بلاروس و اوکراین، که پیشتر طعم "جنگ گازی" با روسیه را چشیده بودند، گواه آشکاری بر انزوای شدید رهبران روسیه در عرصه جهانی بود (Официальный сайт президента РФ, 2010). در چنین حالتی سفر شیمون پرز، رئیس‌جمهور رژیم صهیونیستی و برنده جایزه صلح نوبل برای روسها اهمیت مضاعفی یافت. گرچه با توجه به مشارکت شرکتهای روسی در ساخت تأسیسات هسته‌ای در ایران و همکاری نظامی مسکو با دمشق، که بارها مورد اعتراض رژیم صهیونیستی قرار گرفت، پیدا کردن دلیلی برای خودداری رئیس این رژیم از شرکت در مراسم رژه نظامی در مسکو آسانتر می‌نمود، پذیرش دعوت مسکو از جانب پرز و حضور در این مراسم، مقامات کرملین را تحت تأثیر قرار داد (Levy, 2010, Пуля, 2010).

تحول در سیاست خارجی ایالات متحده. با روی کار آمدن باراک اوباما تغییر مهمی در سیاست خارجی خاورمیانه‌ای کاخ سفید پدید آمد. دولت اوباما به دخالت مستقیم در بحرانهای خاورمیانه علاقه‌ای نداشت و خواهان رفتار واقع‌بینانه رژیم صهیونیستی و جدیت بیشتر این رژیم در حل مناقشه با اعراب و به رسمیت شناختن دولت مستقل فلسطینی بود. این خواسته موجب شد روابط میان واشنگتن و تل‌آویو در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما با تنش و سردی رو به‌رو شود و رژیم صهیونیستی درباره وضعیت خاورمیانه با مسکو بیشتر از واشنگتن رایزنی کند به طوری که نتانیاهاو در سال ۲۰۱۶ هر سه ماه یک بار با پوتین در مسکو ملاقات کرد (РИА «Новости», 2016).

1 - Alexander Lukashenko

2 - Александр Лукашенко и Виктор Янукович

از سوی دیگر حمایت اوپاما از روندهای دموکراتیک در غرب آسیا - در حالی که رژیم صهیونیستی وجود حکومت‌های اقتدارگرا را در کشورهای اسلامی و عربی منطقه ترجیح می‌داد - و تمرکز ایالات متحده بر شرق آسیا و چین موجب انزوای رژیم صهیونیستی و نزدیکی بیشتر این رژیم به روسیه شد. بنابراین در دوره اوپاما ما شاهد روندی معکوس در روابط رژیم صهیونیستی با واشنگتن بودیم. برای نتانیاهو برقراری روابط نزدیکتر با پوتین قابل فهم بود که عطش گسترش نفوذ در غرب آسیا را داشت. این دو نفرت و نارضایتی مشترکی نسبت به دولت اوپاما به اشتراک می‌گذاشتند (Эпштейн, 2009: 120-142).

بحران اوکراین و الحاق کریمه به روسیه. بحران اوکراین و واگرایی میان روسیه و دولت‌های غربی به نفع رژیم صهیونیستی بوده است در حالی که حوادث اوکراین عرصه را بر روسیه تنگ می‌کرد، رژیم صهیونیستی تلاش می‌کرد از هرگونه موضعگیری له یا علیه طرفین بحران خودداری، و از روابط خوب خود با روسیه محافظت کند. پس از الحاق شبه جزیره کریمه به روسیه، رژیم صهیونیستی در سازمان ملل به قطعنامه محکومیت اقدامات روسیه رأی ممتنع داد. آویگدور لیبرمن وزیر امور خارجه وقت این رژیم در بیانیه‌ای ابراز امیدواری کرد روسیه و اوکراین قادر به یافتن راه‌حل مسالمت‌آمیز برای حل و فصل مشکلات خود شوند. اعمال تحریم و مواضع سرسختانه غرب در برابر اقدامات مسکو در اوکراین و خودداری رژیم صهیونیستی از محکومیت اشغال کریمه، بازتاب دهنده تمایل رهبران رژیم صهیونیستی به تداوم روابط حسنه با دولت روسیه بود (Кохн, 2016).

جنگ داخلی سوریه. شروع جنگ داخلی سوریه و قرار گرفتن روسیه در محور ضد رژیم صهیونیستی ایران، سوریه و حزب‌الله با هدف مبارزه با مخالفان دولت بشار اسد در ابتدا موجب نارضایتی و اعتراض این رژیم شد (Magen, 2013)؛ اما بزودی رژیم صهیونیستی توانست از فرصت‌های ژئوپلیتیک بزرگی که مداخله نظامی روسیه در سوریه برای آن به ارمغان آورده است، استفاده کند. در سپتامبر ۲۰۱۵ و قبل از مداخله نظامی روسها در سوریه، هماهنگی‌های لازم میان فرماندهان نظامی روسیه و رژیم صهیونیستی برای جلوگیری از برخوردهای اتفاقی بویژه در آسمان انجام پذیرفت. در پی این توافق رژیم صهیونیستی از قدرت مانور زیادی برای عملیات‌های نظامی علیه ارتش سوریه و نیروهای محور مقاومت در

خاک سوریه برخوردار شد. همکاری در نبردهای نظامی میان رژیم صهیونیستی و روسیه تا قبل از بحران سوریه سابقه نداشته است. در واقع جنگ در سوریه این فرصت را به دو دولت داد تا در غیاب ایالات متحده بر سر تبادل اطلاعات راهبردی توافق کنند که اولین گام برای همکاریهای نظامی پایدار میان دو کشور به شمار می‌رفت؛ تعاملی که در سالهای پیشین برای رژیم صهیونیستی به دلیل مخالفت‌های ایالات متحده میسر نبود. این پیشرفت مهم در مناسبات نظامی - امنیتی دو کشور می‌تواند توازن قدرت را در غرب آسیا تحت تاثیر قرار دهد (Эскин, 2015).

حضور روسیه در بحران سوریه توانست با خنثی کردن تهدیدات ناشی از حمایت دولت دمشق از گروه‌های مخالف موجودیت رژیم صهیونیستی در منطقه، بخش مهمی از دغدغه‌های راهبردی رژیم صهیونیستی را برطرف سازد. در طول جنگ داخلی سوریه، جنگنده‌های رژیم صهیونیستی با ورود به آسمان سوریه تعدادی از برجسته‌ترین فرماندهان مقاومت را به شهادت رسانند. در ژانویه ۲۰۱۷ یک فرودگاه نظامی سوریه در نزدیک دمشق مورد اصابت موشک‌های رژیم صهیونیستی قرار گرفت. این فرودگاه در چند کیلومتری کاخ ریاست جمهوری اسد قرار داشت. در ماه نوامبر ۲۰۱۶، ارتش سوریه اعلام کرد جت‌های رژیم صهیونیستی منطقه‌ای در غرب دمشق و در مجاورت بزرگراه دمشق - بیروت را مورد حمله قرار داده است. در مه ۲۰۱۳ خبرگزاری رویترز اعلام کرد نیروی هوایی رژیم صهیونیستی یک انبار را در فرودگاه بین‌المللی دمشق مورد حمله قرار داد که به ادعای این رژیم، محل نگهداری موشک‌های نیروهای مقاومت بوده است (Reuters News Agency, 2013)؛ این در حالی است که حفاظت از حریم هوایی دمشق به عهده سامانه‌های دفاع ضد هوایی و رادارهای روسی است.

شواهد نشان می‌دهد که توافق محرمانه میان روسیه و رژیم صهیونیستی برای محدود نکردن آزادی عمل هواپیماهای جنگی رژیم صهیونیستی در حریم هوایی سوریه پس از دیدار پوتین و نتانیاهو در حاشیه کنفرانس تغییرات آب و هوایی در پاریس صورت گرفت و رئیس جمهور روسیه پذیرفت به خطوط قرمز رژیم صهیونیستی یعنی عدم دستیابی حزب‌الله به تجهیزات نظامی احترام بگذارد. رژیم صهیونیستی نیز فرصت را غنیمت شمرد و به بهانه حمله به انبارهای تسلیحاتی و کاروانهای سلاح گروه حزب‌الله لبنان، مواضع نیروهای مقاومت را

هدف قرار داد که در کنار ارتش سوریه در حال جنگ با گروه‌های تروریستی هستند (Коэн, 2016). نتانیاهو در مصاحبه‌ای قبل از سفر ژوئن ۲۰۱۶ به مسکو گفت ایران تلاش می‌کند با استفاده از اوضاع داخلی سوریه یک جبهه جدید در جولان برای حمله به رژیم صهیونیستی بگشاید. من صریحاً به پوتین گفته‌ام که این خط قرمز ما است؛ این چیزی است که ما نمی‌توانیم اجازه دهیم. ما خودمان دفاع خواهیم کرد؛ اما می‌خواهیم مطمئن شویم که نیروهای مسلح ما با یکدیگر برخورد نمی‌کنند و تلاش می‌کنیم از وقوع حوادث ناخواسته پیشگیری کنیم (Гусман, 2016). آنچه مسلم است حملات رژیم صهیونیستی به مواضع ارتش سوریه و نیروهای مقاومت بدون هماهنگی با دولت روسیه رخ نداده است، و این خود اثبات می‌کند حفاظت از امنیت ملی رژیم صهیونیستی از اولویت‌های کرملین است و روسیه مناسباتش را با رژیم صهیونیستی قربانی دیگر بازیگران منطقه نخواهد کرد.

از سوی دیگر، عملکرد رژیم صهیونیستی در بحران سوریه نشان می‌دهد که این رژیم نه خواهان پیروزی گروه‌های تکفیری مخالف دولت سوریه است و نه از تثبیت دولت بشار اسد و پیروزی جبهه مقاومت استقبال می‌کند. در واقع وضعیت مطلوب برای رژیم صهیونیستی ادامه جنگ فرسایشی در سوریه و ایجاد یک سرزمین سوخته است که می‌تواند خیال رژیم صهیونیستی را نسبت به همسایه عرب خود آسوده سازد؛ به عبارتی، حذف یک دشمن بالقوه از مرزهای رژیم صهیونیستی هدف بلند مدتی است که رژیم صهیونیستی برای دستیابی به آن راه‌های مختلفی را آزموده است. با این وضعیت اگر بخواهیم برنده اصلی ویرانی و نابودی سوریه را از بین همه طرف‌های درگیر در جنگ داخلی سوریه جستجو کنیم، بی‌تردید به نام رژیم صهیونیستی خواهیم رسید. بنابراین جنگ داخلی در سوریه و حمایت از رژیم اسد، گرچه روابط روسیه را با دولتهای محافظه‌کار عرب به سردی گرایید، موجب تحکیم روابط مسکو با رژیم صهیونیستی و جلب اعتماد بیشتر رهبران آن رژیم برای مشارکت در نوسازی اقتصادی روسیه شد. در مقابل، رژیم صهیونیستی نیز مایل است از نفوذ سیاسی روسیه برای خروج از انزوا و تعدیل دشمنی برخی دولتهای منطقه از جمله ایران، استفاده کند (Rabkin, 2007).

در مجموع، چالشها در روابط دو کشور با دیگر بازیگران، همگرایی سیاسی و تحکیم مناسبات دو جانبه مسکو - تل آویو را شتاب بخشیده است. این رخدادها مانند عملکرد رژیم صهیونیستی در تنش غرب و روسیه بر سر اوکراین و عدم حمایت از تحریمهای غرب علیه مسکو حکایت دارد که دو دولت به این درک مشترک رسیده‌اند زمانهایی هست که امنیت و منافع راهبردی بلندمدت از مزایای زودگذر مهمتر است (Яшлавский, 2014). دو دولت در غیاب رهبری امریکا در غرب آسیا به یکدیگر نزدیک می‌شوند و منافع مشترک ژئوپلیتیک دارند. دو دهه گذشته فرصتی بوده است تا مسکو و تل آویو به شناخت کافی از علایق و منافع یکدیگر دست یابند و با گفتگوی سازنده، درک مشترکی میان آنها پدید آید. این درک متقابل می‌تواند آسان‌کننده همکاریهای گسترده‌تر باشد.

جایگاه ایران در معادلات سیاسی روسیه و رژیم صهیونیستی

بدون تردید در مثلث ایران، روسیه و رژیم صهیونیستی، روسیه امکان بازیگری، ابتکار و وسعت عمل بمراتب بیشتری از دو بازیگر دیگر دارد؛ چرا که هر دو دولت ایران و رژیم صهیونیستی، همواره در تلاش هستند روسیه را در مسیر سیاست خارجی خویش حفظ کنند. در عمل این روسیه است که قواعد بازی سیاسی را نسبت به هر دو طرف تعیین می‌کند. روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ، همواره مسائل کلان جهانی را در روابط خارجی خود با دیگر کشورها مدنظر قرار می‌دهد. روسیه در غرب آسیا اهداف مختلف امنیتی، سیاسی و اقتصادی فراتر از روابط دو جانبه با یک کشور خاص را دنبال می‌کند. سیاست مسکو در غرب آسیا از دیرباز بر اساس اصل تعادل و برقراری روابط با همه دولتها و عدم حمایت یکسویه از منافع بازیگران درگیر در بحرانهای پیچیده غرب آسیا بوده است. همان‌گونه که تعامل با کشوری مانند ایران، که دارای تعارض منافع با امریکا است برای مسکو حائز اهمیت است، برقراری روابط با دولتهای محافظه‌کار و متحدان امریکا نظیر عربستان و رژیم صهیونیستی نیز مورد توجه مسکو قرار دارد. دولت روسیه با توجه به اهداف سیاست خارجی چند وجهی خود کوشیده است با تداوم همزمان روابط سیاسی و اقتصادی با رژیم صهیونیستی و ایران، منافع خود را در تعامل با هر دو بازیگر تأمین کند (Кожанов, 2016: 62-79).

از سوی دیگر رژیم صهیونیستی با توجه به کم‌توجهی و بی‌میلی واشنگتن برای دخالت در مسائل غرب آسیا به دنبال تنوع بخشی به متحدان خود و از جمله نزدیکی به روسیه بوده است. با بازگشت روسها به غرب آسیا و حضور نظامی روسیه در سوریه، اهمیت مسکو برای رژیم صهیونیستی دو چندان شده است. مقامات رژیم صهیونیستی بخوبی از ابزارهای روسیه برای تأثیرگذاری بر منطقه آگاهی دارند؛ در نتیجه تلاش کرده‌اند با هدف افزایش قدرت بازیگری خود، سطح مناسبات با مسکو را در بالاترین حد ممکن نگه دارند. روسیه و رژیم صهیونیستی در زمینه مبارزه با بنیادگرایی اسلامی، اشتراک منافع دارند. هر دو کشور، رهیافت عملگرایانه را در برابر غرب آسیا ترجیح می‌دهند و با چشم‌انداز دموکراتیزاسیون در غرب آسیا مخالف هستند که ممکن است به احیای جنبش‌های اسلامی در کل منطقه منجر شود.

رابطه با روسیه نیز از نظر رژیم صهیونیستی محملی برای تأثیرگذاری بر کرملین در راستای محدود نگه‌داشتن مناسباتش با ایران تلقی می‌شود. خودداری از گسترش نفوذ تهران در منطقه از اهداف جدی رژیم صهیونیستی است. تهدید منافع جمهوری اسلامی ایران در همه زمینه‌ها و ایجاد جنگ روانی علیه آن اولویت بسیاری نزد سران این رژیم دارد. از آنجا که رابطه ایران و رژیم صهیونیستی «بازی با حاصل جمع صفر» است، همگرایی در روابط روسها و رژیم صهیونیستی می‌تواند تهدیدی برای جمهوری اسلامی ایران باشد و واگرایی فرصتی برای ایران. بر این اساس، توسعه همکاری روسیه با رژیم صهیونیستی می‌تواند به زیان جمهوری اسلامی تمام شود. نتایج راهبردی شدن روابط روسیه و رژیم صهیونیستی ممکن است موازنه قوا را در منطقه به سود رژیم صهیونیستی تغییر دهد.

بنابراین، رژیم صهیونیستی همواره عاملی تأثیرگذار در بهبود روابط ایران و روسیه بوده است و در نقش‌آفرینی منفی این رژیم در موضوعاتی نظیر تأخیر در راه اندازی نیروگاه بوشهر، تعلل چند ساله در واگذاری سامانه دفاع ضد موشکی اس ۳۰۰ و رأی موافق به تک تک قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه ایران تردیدی وجود ندارد. رایزنیهای فشرده و معاملات محرمانه رژیم صهیونیستی با مقامات روسیه در پیوستن مسکو به ائتلاف بین‌المللی علیه برنامه‌های هسته‌ای ایران نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. در زمینه فروش تسلیحات در بسیاری از موارد، فشارهای رژیم صهیونیستی بر روسیه جواب داده و مسکو مجبور شده است

از فروش برخی سلاحها به ایران صرف نظر کند (Крючков, 2010). در مجموع اگر بخواهیم دلیل تأثیر سیاستهای رژیم صهیونیستی را بر چگونگی تعامل مسکو با تهران باز کنیم به موضوعی جز "ماهیت سیاست خارجی روسیه" نمی‌رسیم به این دلیل که منطق سیاسی روسیه بر حفظ آهنگ تعادل و موازنه میان تکاپو و تقلای ایران و رژیم صهیونیستی برای نزدیکی به مسکو مبتنی است.

روسیه به‌رغم ائتلاف با دشمنان تل‌آویو در بحران سوریه، همزمان در زمینه منافع امنیتی مانند جلوگیری از انتقال سلاح از سوریه به لبنان، خودداری از نزدیک شدن نیروهای مقاومت به مرزهای این رژیم و همکاری بر سر ساختارهایی برای جلوگیری از برخوردهای نظامی هوایی به توافقات مهمی با این رژیم دست یافته که خود ناشی از اختلاف دیدگاه روسیه و ایران در سوریه است.

از جمله مهمترین موارد اختلافی روسیه و ایران در سوریه و در نتیجه تلاش روسیه برای حفظ ابتکار عمل خود در سوریه به نفع رژیم صهیونیستی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱ - ادامه حضور اسد در قدرت، یکی از اصلی‌ترین مسائل مورد اختلاف ایران و روسیه بر سر بحران سوریه است. از زمان برگزاری گفتگوهای وین، لحن مقامات ایران بشدت علیه فکر خروج اسد از قدرت در آینده نزدیک شده است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنانی اعلام کرد: «ما معتقدیم معنی ندارد کشورهای دیگر دور هم جمع شوند و راجع به یک نظام حکومتی و رئیس آن حکومت تصمیم بگیرند؛ این بدعتی خطرناک است که هیچ حکومتی در جهان اجرای آن را درباره خود نمی‌پذیرد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴).

۲ - ایران و روسیه در موضوع مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی دیدگاه متفاوتی دارند در حالی که این موضوع برای ایران، راهبرد تلقی می‌شود و اساساً یکی از دلایل عمده حضور ایران در سوریه در جهت تقویت جبهه مقاومت است، مسکو به کمک به تهران برای نفوذ سیاسی و مذهبی در سوریه و یا تقویت موقعیتش در برابر اسرائیل علاقه‌مند نیست.

۳ - دو کشور هم‌چنین بر سر نقش حزب‌الله در سوریه اختلاف نظر دارند؛ چرا که روسیه با توجه به روابط نزدیک خود با رژیم صهیونیستی تلاش دارد از تداوم نقش آفرینی حزب‌الله لبنان در سوریه جلوگیری کند.

۴ - ایرانیها بویژه نسبت به وسعت عمل همکاری مسکو با شریکان مختلف در منطقه نگران هستند. ولادیمیر پوتین تماسها و گفتگوهای منظمی با برخی از رقبای و دشمنان ایران، یعنی امریکا، عربستان سعودی، اسرائیل و برخی کشورهای حوزه خلیج فارس دارد. از این رو، تهران به طور طبیعی نگران است که در پشت پرده توافقاتی انجام گیرد که به ضررش باشد (McInnis, 2016).

۵ - بنا بر توافق بین دولتهای روسیه و سوریه، تقریباً ایران و شرکتهای ایرانی از فرایند بازسازی و سرمایه‌گذاری در این کشور کنار گذاشته شده‌اند و حتی در بخشهایی، کنسرسیومی بین دولت روسیه و سوریه تشکیل شده است و اگر ایران بخواهد در فرایند بازسازی سوریه شرکت کند، باید با روسها وارد گفتگو شود (سایت تابناک، ۱۳۹۶).

در کنار این اختلاف منافع، ایرانیها و روسها بر سر یک مسئله توافق دارند و آن اینکه همه طرفها باید تمامیت ارضی سوریه را حفظ کنند. همزمان دو کشور خواستار این هستند که دولت طرفدار غرب در دمشق به قدرت نرسد یا در مبارزه با افراط‌گرایی و گروه‌هایی همچون داعش دیدگاه مشترکی دارند (McInnis, 2016).

از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی با درک اختلاف منافع ایران و روسیه در سوریه و با نزدیک شدن به پایان جنگ داخلی در سوریه تمرکز خود را بر کاهش نفوذ ایران در سوریه گذاشته است؛ با این حال فشارهای اسرائیل برای کاهش سطح روابط فدراسیون روسیه با جمهوری اسلامی ایران کارساز نبوده است. دلیل این مهم را می‌توان در عملگرایی و رویکرد منفعت‌محور روسها خلاصه کرد. منافع گوناگون ناشی از توسعه همکاری با جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های سیاسی - اقتصادی برای فدراسیون روسیه جاذبه‌های زیادی را در برداشته است. اهمیت ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران سبب شده است تا به‌رغم تلاشهای رژیم صهیونیستی، روسیه روابط خود را با ایران برای بهره‌بردن از مزایای غیر قابل چشم‌پوشی این همکاری ادامه دهد (کولایی، ۱۳۸۶).

در مجموع به نظر می‌رسد اولویت روسیه، حفظ نقش تعادلگر خود میان ایران و رژیم صهیونیستی است. در این راستا روسیه نه نفوذ خیره‌کننده ایران را در سوریه خواهد پذیرفت و نه سیاستهای غرب‌محور و بحرانساز این رژیم را. فارغ از این، قاعده مهم راهبردی در سیاست

خارجی روسیه حکم می‌کند که این کشور دنباله رو اهداف سیاسی هیچ کشوری نباشد و فراسوی معادلات محدود بازیگران منطقه‌ای عمل کند. در واقع روسیه اصالت را به پندارهای سیاسی و آگاهی خود از روندهای سیاسی بین‌المللی داده است.

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، درک چرایی و چگونگی گسترش روابط روسیه و رژیم صهیونیستی به سوی راهبردی شدن و تعمیق روابط بوده است. به تناسب هدف پژوهش، کارکردگرایی به عنوان چارچوب نظری پژوهش انتخاب شد. چگونگی گسترش روابط دو دولت از سطح مناسبات عادی به سوی راهبردی شدن، فرایندی است که نظریه کارکردگرایی به آن امعان نظر نشان می‌دهد؛ با این حال پژوهشگر آگاه است که گسترش روابط روسیه و رژیم صهیونیستی لزوماً از خطی واحد پیروی نمی‌کند؛ بلکه همان طور که بیان شد به تناسب ضرورت‌های منطقی سیاست، روابط دو دولت می‌تواند گسترش یابد.

یافته‌های پژوهش حکایت دارد که روسیه و رژیم صهیونیستی به رغم برخی اختلاف‌نظرها، منافع خود را در همکاری با یکدیگر و در چارچوب نیازهای متقابل و الزامات سیاست واقعی پیگیری می‌کنند. تلاش مسکو و تل‌آویو برای یافتن زبان مشترک در موقعیت‌های پیچیده، دو کشور را وارد عرصه‌های جدیدی از همکاری کرده است به طوری که دیدارهای مکرر مقامات ارشد دو کشور در سطوح مختلف، عقد قراردادهای اقتصادی کلان و همکاری نزدیک روسیه با رژیم صهیونیستی در بحرانهای اخیر غرب آسیا و مثالهای مشابه را می‌توان دلیلی بر همکاری راهبردی دو دولت قلمداد کرد. با توجه به حضور جمعیت عمده روس‌زبان در فلسطین اشغالی، دو کشور در زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی، همگرایی نسبی دارند. در حوزه اقتصادی نیز ساختار اقتصادی دو کشور مکمل و مشوق یکدیگر است. رژیم صهیونیستی به واردات مواد خام از روسیه وابسته است و روسیه نیز برای نوسازی اقتصاد خود به فناوریهای نوین رژیم صهیونیستی نیازمند است. در مسائل نظامی - امنیتی تعامل جدی میان این دو دولت شکل گرفته است به گونه‌ای که در زمینه امنیت ملی همکاری آشکاری میان آنها وجود دارد.

روی هم رفته الگوی حاکم بر روابط روسیه و رژیم صهیونیستی در قالب الگوی همکاری در سطوح سیاسی - امنیتی و اقتصادی است و ضرورت‌های کارکردی به عنوان ساز و کار تنظیم‌کننده روابط دو کشور شناخته می‌شود که در چارچوب آن مناسبات این دو به سطحی از گفت‌وگو راهبردی رسیده است. به دلیل افزایش همکاریها و تعاملات، از یک سو منافع مشترک این دو دولت ارتقا می‌یابد و از سوی دیگر با رایزنی مستمر، موانع و اختلاف‌نظرها برطرف می‌شود. این تعاملات به پشتوانه پیوندهای انسانی، فرهنگی و رسانه‌ای قوی میان دو کشور در آینده می‌تواند به اتحاد پایداری شکل دهد. همزمان انطباق منافع دو کشور در غرب آسیا و در محیط بین‌المللی این روند را تقویت کرده است.

روابط رو به گسترش روسیه و رژیم صهیونیستی در حالی است که همکاری طبیعی میان ایران و روسیه علیه نظم هژمون جهانی همچنان برقرار است. بدون تردید در مثلث روسیه، ایران و رژیم صهیونیستی، این روسیه است که نقش‌آفرینی تعیین‌کننده‌ای دارد. روسیه برای منافع گوناگون خود تلاش می‌کند؛ توأمان سطح روابط با ایران و رژیم صهیونیستی را حفظ می‌کند. عبور از پنداره‌های ایدئولوژیک و ورود به عرصه عملگرایی در سیاست خارجی روسیه موجب شکل‌گیری چهره‌ای دوگانه در سیاست خارجی آن شده است به طوری که هم در نقش «گلا دیاتور»، آمال نظامی، امنیتی و سیاسی خود را جامه عمل می‌پوشاند و هم در چهره «تاجر»، کسب منفعت اقتصادی می‌کند. این نقش‌آفرینی دوگانه روسیه، موجب گسترش حوزه نفوذ و منافع و هم‌چنین تنوع در راهبردهای عمل این بازیگر مهم بین‌المللی شده است. در واقع روسیه به دنبال بهره‌بردن از چالش‌های منطقه‌ای و جهانی برای ارتقای جایگاه خود، و رویکرد کلان رهبران کرملین در تحولات منطقه‌ای، انعطاف و بیشینه‌سازی منافع با شکار فرصتهاست. سیاست خارجی روسیه در غرب آسیا نیز بر اساس عقلانیت راهبردی و تمایل به گفت‌وگو و همکاری با همه دولتها و ملتها و بهره‌بردن از اختلافات میان آنهاست. پیامد خواسته‌های گوناگون روسیه را بخوبی می‌توان در بحران سوریه مشاهده کرد؛ در حالی که مسکو در بحران سوریه، خود را متحد تهران معرفی می‌کند، همزمان رژیم صهیونیستی با هماهنگی‌های اطلاعاتی و نظامی با ارتش روسیه به عملیات علیه جبهه مقاومت در سوریه مبادرت می‌ورزد.

روسیه با پیروی از چنین رویکردی در سالهای اخیر، چرخش محسوسی به سوی رژیم صهیونیستی در سیاست خارجی داشته به گونه‌ای که سطح روابط این دو کشور از همکاریهای اقتصادی به سطوح امنیتی - سیاسی تسری یافته است. گرچه ایران در سیاستهای منطقه‌ای و مقابله با سیاست امریکا و غرب، متحد طبیعی روسیه است و به این دلیل روسیه نمی‌تواند ایران را نادیده بگیرد، آنجا که روسیه بتواند امتیازاتی را در دیگر حوزه‌های اختلافی با واشنگتن به دست آورد به سمت امریکا و رژیم صهیونیستی گرایش می‌یابد؛ هم چنانکه در حوزه سیاست واقعی این مهم به وقوع پیوسته و روسیه با حفظ رابطه خود با ایران، روابط با رژیم صهیونیستی را تعمیق بخشیده است به گونه‌ای که چشم‌اندازی از روابط راهبردی میان این دو به چشم می‌خورد.

در مجموع آنچه متعین گرایشهای سیاسی روسیه در منطقه و در روابط او با جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی است، ضرورتهای سیاسی و الزامات سیاست واقعی است؛ از همین رو جمهوری اسلامی ایران ضمن تداوم همکاری با روسیه در زمینه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی باید ظرفیتهای خود را به منظور رویارویی با چرخشهای نابهنگام روسیه در عرصه سیاست خارجی ارتقا بخشد. برای تحقق این مهم، جمهوری اسلامی ایران ضمن اینکه باید نقش متحد بی‌بدیل و بدون جایگزین را برای روسیه ایفا، و از قدرت راهبردی آن به سود خود بهره‌برداری کند، نباید از تصمیمات نابهنگام و خود محور روسیه غافل شود.

منابع

فارسی

- ۱ - آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴). دیدار وزیر خارجه و سفیران ایران با رهبر انقلاب. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری. ۱۰ آبان ماه، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=31270> تاریخ دسترسی: ۹۶/۱۱/۲۴.
- ۲ - پرتو، امین (۱۳۹۲). همکاری‌های نظامی روسیه - اسرائیل و موانع فرارو. تهران: ایراس. برگرفته از: تاریخ دسترسی: ۹۶/۹/۱۰ <http://www.iras.ir/fa/doc/note/184>
- ۳ - جمعی از نویسندگان (۱۳۷۵). نظریه‌های روابط بین الملل. ترجمه وحید بزرگی. تهران: ماجد.
- ۴ - حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت.
- ۵ - دوثرتی، جیمز؛ فالتزگراف، رابرت (۱۳۸۸). نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل. ترجمه وحید بزرگی. چ پنجم. تهران: قومس.
- ۶ - سایت تابناک (۱۳۹۶). اگر از فرایند بازسازی سوریه کنار گذاشته شویم چه کسی مقصر است؟، ۵ بهمن ماه، قابل دسترس در: تاریخ دسترسی: ۹۶/۱۱/۲۴ <http://www.tabnak.ir/fa/news/767802>
- ۷ - سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۱). نظریه‌های مختلف در روابط بین الملل. تهران: سفیر.
- ۸ - عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۸۳). رژیم‌های بین‌المللی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۹ - فریدمن، رابرت (۱۳۷۵). روابط روسیه و رژیم صهیونیستی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی. ترجمه لی لا سازگار. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. خرداد و تیر. ش ۱۰۶ و ۱۰۵.
- ۱۰ - قوام، عبدالعلی (۱۳۷۰). اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل. چ شانزدهم. تهران: سمت.
- ۱۱ - کولایی، الهه (۱۳۸۳). علل و پیامدهای توسعه روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل (با نگاهی به جمهوری اسلامی ایران). تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۲ - کولایی، الهه (۱۳۸۶). تأثیر روابط روسیه و رژیم صهیونیستی بر ایران. وب سایت دیپلماسی ایرانی. برگرفته از: تاریخ دسترسی: ۹۵/۱۲/۲۰ <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/11127/>
- ۱۳ - مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۲). تحول در نظریه‌های روابط بین الملل. چ هشتم. تهران: انتشارات سمت.

۱۴ - ولفرز، آلفرد (۱۳۸۴). اهداف سیاست خارجی، به ویراستاری ج. باربر و م. اسمیت (ویراستاران) ماهیت سیاستگذاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها. ترجمه سیدحسین سیف‌زاده. تهران: قومس.

انگلیسی

- 15 - Associated Press (2004), "Israel offers to help Russia fight terror", September 15.
- 16 - Branigin, William (2008), "Rice Says Russia Has Taken a 'Dark Turn'", Washington Post, September 19.
- 17 - Borshchevskaya, Anna (2016) "The Maturing of Israeli-Russian Relations", The Washington Institute for Near East Policy, available in: <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/the-maturing-of-israeli-russian-relations>
- 18 - Delanoë, Igor (2014), "Unexpected allies", Le Monde Diplomatique, Available at: <http://mondediplo.com/2014/09/06israel-russia> (Accessed in January 4, 201۵)
- 19 - Gorshkov Ivan & Plugatarev, Igor. (2006) "Arms deals discussed in Syria," Nezavisimaya Gazeta, January 2.
- 20 - Haaretz (2008), "Following Russian pressure, Israel freezes defense sales to Georgia", August 8.
- 21 - Joy, Ajish P. (2008), "Russia's emerging policy in West Asia", in: West Asia and the Region: Defining India's Role .Edited by Rajendra M. Abhyankar.
- 22 - Katz, Kaakov (2004), "Israel Police to study school siege," The Jerusalem Post, September 5.
- 23 - Katz, Mark N. (2009), "Israeli leverage over Russia vis-à-vis Iran", May 26, Available at: <http://blogs.law.harvard.edu/mesh/2009/05/israeli-leverage-over-russia-vis-a-vis-iran/> (Accessed in March 4, 201۵)
- 24 - Katz, Mark N. (2006), "Putin's Foreign Policy toward Syria", Middle East Review of International Affairs, Vol. 10, No. 1, March.
- 25 - Katz, Mark N. (2005), "Putin's Pro-Israel Policy", Middle East Quarterly Winter, Vol.12, No.1.
- 26 - Levy, Clifford J., (2010), "Allies Join Russians in Victory Day Celebration", New York Times, May 9.
- 27 - Leyden, Joel (2004), "Israel to Russia: Tears for Children Murdered by Islamic Terrorism", Israel News Agency, September 5.
- 28 - Magen, Zvi (2013), Russia - Israel: The status of their relationship", Available at: <http://www.inss.org.il/.../Russia%20-%20Israel-%20The%20status%20of%20their%20relation> (Accessed in March 4, 2015)
- 29 - McInnis J. Matthew. (2016) Did Putin Just Leave Iran Holding the Bag in Syria? March 16, available at: <http://nationalinterest.org/blog/the-buzz/did-putin-just-leave-iran-holding-the-bag-syria-15512>
- 30 - Rabkin, Yakov (2007), Russia and Israel, Available at: http://archives.cerium.ca/IMG/pdf/Yakov_200.pdf. (Accessed in July 20, 2014)
- 31 - Razoux, Pierre (2008), "The keys to understanding the Israel-Russia relationship", Reserch Paper, Research Division - NATO Defense College, Rome - No. 42 - November, Pp.1-8.

- 32 _ Reuters News Agency (2013), "Israeli strike in Syria targeted missiles from Iran", May 4, Available at: <http://www.reuters.com/article/us-syria-israel-iran-idUSBRE9430C220130504> (Accessed in September 4, 2015)
- 33 _ Rodman, David (2015) "Russia and Israel in the changing Middle East", Israel Affairs, Vol. 21, Iss. 1, Pp.166-168
- 34 _ Smith, Mark (2006), "The Russia-Hamas Dialogue, and the Israeli Parliamentary Elections", Research report (Defense Academy of the United Kingdom, Conflict Studies Research Centre).
- 35 _ Yablokova, Oksana (2006), "Putin's Gamble with Hamas", Moscow Times, January 13.
- 36 _ Wojnarowicz, Michał (2017), "Israeli-Russian Relations in the Context of the Syrian Civil War", Bulletin, No. 48 (988), 17 May.

روسی

- 37 _ Говрин, Йосеф (1994), "Израильско-советские отношения, 1953-1967", Москва: Про- гресс.
- 38 _ Гусман, Михаил (2016), "Танк возвращается домой", Российской газеты, Режим доступа: <https://rg.ru//biniamin-netaniahu-izrail-i-rf-sozdali-mezhdusoboj-kulturnyj-most.html>
- 39 _ Информационное агентство России «ТАСС»,(2015), "Визиты премьер-министров Израиля в Россию. Досье Биографии и справки", 21 сентября. Режим доступа: <http://tass.ru/info/2277797>
- 40 _ РИА«Новости» (2010), "Российско-израильские отношения. Визит премьер-министра Израиля Беньямина Нетаньяху в Москву", Режим доступа: <https://ria.ru/spravka/20100216/209418584.html>
- 41 _ Koen, Ora (2012), "Putin in Israel: Gazprom to establish an Israeli subsidiary", The Marker, June 26, Режим доступа: <http://www.themarker.com/misc/article-print-page/1.1740666>.
- 42 _ Коэн, Джош (2016), "Путин - самое близкое к понятию «друг» что был у Израиля в Кремле", Геополитика, 20 января, Режим доступа: <http://geopolitica.info/putin-8212-samoe-blizkoe-k-ponyatiyu-171drug187-cto-by-u-izrailya-v-kremle.html>
- 43 _ Кожанов, Николай(2016), Перспективы российско-иранского регионального сотрудничества. Журнал "Россия в глобальной политике". май/июнь, №3 (16). P.62-79
- 44 _ Крючков, Игорь (2010), "Россия и Израиль будут уговаривать Иран только до конца 2010 года", интернет-портал GZT. Ru, 8 апреля, Режим доступа: <http://www.gzt.ru/topnews/politics/-rossiya-i-izrailj-budut-ugovarivatj-iran-mirnymi- /300714.html>
- 45 _ Коновалов, Иван (2009), "Минобороны вооружится иностранными беспилотниками. Скорее всего, их купят в Израил", Коммерсант, 24 февраля,
- 46 _ Корнилов, Александр (2001), "Этническая структура современного израильского общества, Миграционные процессы и их влияние на израильское общество", Москва: Институт изучения Израиля и Ближнего Востока.

- 47 _ Либерман, Авигдор (2007), "Интервью министра иностранных дел радиостанции", Эхо Москвы, 28 февраля, Режим доступа: <http://echo.msk.ru/programs/beseda/49921/>
- 48 _ Министерство иностранных дел Российской Федерации(2016), "Государство Израиль", Режим доступа:http://www.mid.ru/ru/maps/il//asset_publisher/lkK5VYQA0maG/content/id/84754
- 49 _ Осипова, Алексея (2009), "Русский фактор в Израиле всегда брался в расчет". Новости недели (Израиль), 12 июня, Режим доступа: http://newsru.co.il/israel/12jun2009/stegniy_105.html
- 50 _ Официальный сайт президента РФ,(2010), "Главы иностранных государств, правительств и международных организаций, принимающих участие в праздновании 65-летия Победы", 9 мая, Режим доступа: http://www.kremlin.ru/ref_notes/546
- 51 _ Портал Izrus (2010), "Израиль и Россия подпишут договор о военном сотрудничестве", 6 сентября, Режим доступа: <http://izrus.co.il/dvuhstoronka/article/2010-09-06/11601.html>
- 52 _ Политика (2010), "Россия и Израиль подписали новые соглашения", 18 ноября, Режим доступа: http://www.mignews.com/news/politic/world/181110_194733_33411.html
- 53 _ Проценко, Николай (2016), "Израиль хочет заменить России Турцию", Деловая газета «Взгляд», 21 апреля, Режим доступа: <http://www.vz.ru/economy/2016/4/21/806564.html>
- 54 _ Пуля, Ирина (2010), "Равнение на ветеранов. Кто приедет в Москву", 9 Мая, Российская газета, 28 апреля.
- 55 _ РИА «Новости», (2016), Межгосударственные отношения России и Израиля, Режим доступа: <https://ria.ru/spravka/20160316/1390260072.html>
- 56 _ РИА«Новости» (2016), Межгосударственные отношения России и Израиля, 16 Марта, Режим доступа: <https://ria.ru/spravka/20160316/1390260072.html>
- 57 _ РИА «Новости» (2008), "РФ намерена вступить в ВТО, но не видит такой возможности", 25 августа, Режим доступа: <http://ria.ru/economy/20080825/150659563.html>
- 58 _ Российская газета (2008), "Стратегия безопасности: лидеры ОДКБ поддержали Россию", 8 сентября.
- 59 _ Российский Союз Туриндустрии: Выезд российских граждан за рубеж: по данным Пограничной службыФСБРоссии.http://www.rostourunion.ru/rossijskij_soyuz_turindustrii_glavnaia/vyezd_rossijskih_grazhdan_za_rubezh.html
- 60 _ Свищёв, Алексей (2016), "Дружба по расчету", Режим доступа: <https://versia.ru/u-izrailya-est-srazu-neskolko-prichin-ne-ssoritsya-s-rossiej>
- 61 _ Стенограмма выступления МИД России С.В.(2008), "Лаврова по итогам переговоров президента Российской Федерации Д.А. Медведева с президентом Сирии Б. Асадом", официальный сайт МИД РФ, 22 августа, Режим доступа: http://www.mid.ru/Brp_4.nsf/arh/D3355B3B0682CA56C32574AD004E6C97?OpenDocument

- 62 - Фальков, Михаил (2010), "Глава МИД Израиля: о военном сотрудничестве с Грузией не может быть и речи", сообщение портала «Izrus.co.il», 18 августа, Режим доступа: <http://izrus.co.il/dvuhstoronka/article/2010-08-18/11372.html>.
- 63 - Эпштейн, Алек Д. (2009), "США и Израиль в изменяющейся системе региональных отношений на Ближнем Востоке", в книге: Проблемы и перспективы урегулирования на Ближнем Востоке, под ред. И.Д. Звягельской, Москва: Центр стратегических и политических исследований — Институт востоковедения РАН.
- 64 - Эпштейн, Алек Д. & Кожеуров, Станислав, (2011), Россия и Израиль: трудный путь навстречу, Москва: Институт Ближнего Востока.
- 65 - Эскин, Авигодор (2015), "Россия и Израиль дружат против терроризма", Pravda.Ru, 25 сентябрь, Режим доступа: <http://www.pravda.ru/world/asia/middleeast/25-09-2015/1276121-eskin-0/>
- 66 - Яшлавский, Андрей (2014), "Почему Израиль не поддержал Запад в санкциях против России из-за событий на Украине?" 3 ноября, Режим доступа: <http://www.mk.ru/politics/2014/11/03/pochemu-izrail-ne-podderzhal-zapad-v-sankciyakh-protiv-rossii-izza-sobytiy-na-ukraine.html>